

کد کنترل

321

F



آزمون (نیمه متمرکز) ورود به دوره های دکتری - سال ۱۴۰۲

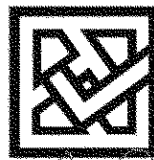
دفترچه شماره (۱)

صبح پنجشنبه

۱۴۰۱/۱۲/۱۱

«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود..»

امام خمینی (ره)



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

فلسفه و کلام اسلامی (کد ۲۱۳۳)

زمان پاسخ گویی: ۱۰۵ دقیقه

تعداد سؤال: ۸۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: - زبان عربی - فلسفه - کلام اسلامی - منطق	۸۰	۱	۸۰

این آزمون نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

حتی چابک، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می باشد و با متغلفین برابر مقررات رفتار می شود

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول زیر، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی جلد دفترچه سؤالات و پایین پاسخنامه ام را تأیید می‌نمایم.

امضا:

مجموعه دروس تخصصی (زبان عربی - فلسفه - کلام اسلامی - منطق):

■ ■ عین الأنسب و الأدق في الجواب عن الترجمة أو التعريب أو المفهوم (۱-۸)

۱- « أَيْحَسِبُونَ أَنْ مَا لَمُذْهَبٌ بِهِ مِنْ مَالٍ وَ بَنِينَ، تُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ، بَلْ لَا يَشْعُرُونَ »:

- (۱) آیا چنین می‌پندارند آنچه از اموال و پسران به آنها بخشیده‌ایم فقط برای اینست که در رساندن نیکیها بدانها شتاب ورزیم، در حالیکه آنان فهم آن را ندارند!
- (۲) آیا چنین گمان می‌کنند ما فقط با مال و پسران بدانها مدد می‌رسانیم، تا درهای خیرات را بسرعت به روی آنان بگشائیم، و حال اینکه آنان نمی‌فهمند!
- (۳) آیا گمان می‌کنند آنچه از اموال و فرزندان بدانها بخشیده‌ایم برای اینست که در رساندن نیکیها بدانها تعجیل کنیم، نه چنین است، بلکه آن را درک نمی‌کنند!
- (۴) آیا می‌پندارند اینکه ما آنان را به مال و فرزندان مدد می‌کنیم، برای اینست که در خیرات برای آنها شتاب ورزیم، نه، آنان درک نمی‌کنند!

۲- « يَدْعِي بَزْعَمِهِ أَنَّهُ يَرْجُو اللَّهَ، كَذَبٌ وَ الْعَظِيمُ! مَا بِأَلَا لَا يَتَّبِعِينَ رَجَاوَهُ فِي عَمَلِهِ؟ فِكُلُّ مَنْ رَجَا عَرَفَ رَجَاوَهُ فِي عَمَلِهِ! »:

- (۱) به گمان خود دعوی دارد که امیدش به خداوند است، به خدای بزرگ سوگند که دروغگو است! چرا امیدواری او در کردارش ناپدیدار است؟ هر که امیدوار است امیدش در عملش آشکار است!
- (۲) به ادعای خود امیدش فقط به الله است، به آنکه بزرگ است قسم که دروغ می‌بافد! چه شده است که این امیدواری را در عمل نشان نمی‌دهد؟ آنکه امید داشته باشد این امید در عملش مشهود است!
- (۳) به ظنّ خود ادعا دارد که به الله امیدوار است، قسم به آنکه عظیم است دروغ می‌بافد! او را چه شده که امید خود را عملاً نشان نمی‌دهد؟ کسی که امیدی داشته باشد در کردار او هویدا خواهد شد!
- (۴) به زعم خود ادعا می‌کند که به خداوند امیدوار است، سوگند به خدای با عظمت که دروغ می‌گوید! پس چرا امیدواری او در عملش به چشم نمی‌خورد؟ هر کس امیدی داشته باشد از عملش معلوم می‌شود!

۳- « قَوْمٌ إِذَا أَخَذُوا الْأَقْلَامَ مِنْ قَصَبٍ ثُمَّ اسْتَمَدُوا بِهَا مَاءَ الْمَنِيَّاتِ

نالوا بها من أعاديهم، و إن كثروا ما لا يُنَالُ بِحَدِّ الْمَشْرِفِيَّاتِ! »:

(۱) آنان قومی هستند که هرگاه از نی قلم‌ها بتراشند و آنگاه از شربت مرگ مرکب آنها را بسازند، با دشمنان خود، هر قدر زیاد باشند، آن کنند که بوسیله لبه تیز شمشیرها نتوان کرد!

(۲) آن قوم اگر قلم‌هایی از نی در دست گیرند و با آب مرگ به مدد آنها بروند، با دشمن، هرچند با تعداد انبوه باشد، آن کنند که لبه‌های تیز شمشیرها نتوانند کرد!

(۳) آن گروه وقتی قلم‌های خود را از نی نیزارها بتراشند و با آب آرزوها به کمک آنها بروند، دشمن را با وجود تعداد بی‌شمارش، با لبه تیز شمشیرها از پای درآورند!

(۴) آنان گروهی هستند که چنانچه قلم‌هایی از نیزارها بگیرند و مرکب آنها را از شربت آرزوها بسازند، دشمنان خود را با وجود زیادی تعداد، به لبه تیز شمشیرها از پای درآورند!

۴- « ظَلَمَ لَدَا الْيَوْمِ وَصِفَ قَبْلَ رُؤْيَتِهِ لَا يَصْدَقُ الْوَصْفُ حَتَّى يَصْدَقَ النَّظَرُ! »:

(۱) وصف ماجرای روز، پیش از رؤیت آن ظلمی است در حق وصف اگر قبل از دیدن به توصیف بپردازد!

(۲) ظلمی است در حق صاحب امروز اگر قبل از دیدن آن توصیف شود، زیرا وصف وقتی صادق است که مشاهده صادق باشد!

(۳) توصیف امروز ظلم است در حق توصیف کردن ماقبل مشاهده، از آنجا که هر توصیفی وقتی صادق است که نظر صادق باشد!

(۴) توصیف کردن ماجرای امروز قبل از مشاهده آن ظلم است در حق او، چه تا مشاهده و نظر درست نباشد وصف کردن صادق نیست!

۵- « كَانَتْ عَجَلَةُ الزَّمَنِ تَدُورُ فَإِذَا بَنَى نَرَى عَمْرًا يَتَصَرَّفُ بِلَادِ الرُّومِ فِي غَيْرِ مَوْقِعٍ، مَتَّخِذًا نَفْسَ الطَّرِيقَةِ الَّتِي شَقَّ بِهَا طُورَ سَيْنَاءَ وَ دَخَلَ مِصْرَ! »:

(۱) مدت زمانی سپری شد که عمر دیگر بار روم را به همان طریقه خود که قبلاً از صحرای سینا عبور کرده و وارد مصر شده بود، به تصرف خود درآورد!

(۲) چرخ زمان می‌گشت تا اینکه عمرو را می‌بینیم که روم را به همان روش پیشین خود که صحرای سینا را پییموده و وارد مصر شد، تصرف کرد!

(۳) چرخ زمانه می‌گشت که ناگهان عمرو را می‌بینیم که سرزمین روم را از چند موضع به همان شیوه‌ای که صحرای سینا را در نور دیده و وارد مصر شده بود، تصرف کرد!

(۴) زمان بسرعت سپری می‌شد که عمر موفق شد با استفاده از طریقه قبلی خود در تصرف کشور مصر، با عبور از صحرای سینا روم را نیز تصرف کند!

۶- « قد تمّ الإعلان عن حكومة غير مكتملة الخميس الماضي، حيث لا تزال هناك مناصب وزارية مهمة شاغرة! »:

(۱) این اعلامیه درباره دولت روز پنجشنبه گذشته به طور ناقص صادر شد به طوری که پست‌های مهم وزارتی آن هنوز خالی است!

(۲) روز پنجشنبه گذشته از ترکیب ناتمام کابینه‌ای خبر داده شد که هنوز برخی پست‌های مهم وزارتی آن بدون متصدی است!

(۳) در روز پنجشنبه گذشته که هنوز در مورد پست‌های مهم وزارتی اختلاف نظر وجود داشت، اعلام شد که کابینه‌ای با ترکیب ناتمام تشکیل شده است!

(۴) اعلامیه‌ای که درباره دولت روز پنجشنبه گذشته صادر شد حاکی از این است که در مورد پست‌های مهم وزارتی هنوز اختلاف نظر موجود است!

۷- « ما مات منا سيد حتف أنفه! ». مفهوم العبارة:

(۱) إنما أسيدنا يموتون في فراش المرض!

(۲) لم يمت أسيدنا إلا في ساحة القتال!

(۳) إنما يموت سادتنا في فراش المرض!

(۴) لم يستول أحد على سادتنا في القتال!

۸- « او دانشنامه عظیم خود را براساس اسناد و مکاتبات بایگانی شده در دارالانشاء مصر تألیف کرده است »:

(۱) موسوعته العظيمة قد ألّفت على ما حصل من الأسناد والمراسلات في دار الإنشاء المصرية.

(۲) إنّ دائرة المعارف الكبرى التي ألّفها كانت على أساس محفوظات المراسلات في دار الإنشاء المصرية.

(۳) إنّهُ قد اعتمد في موسوعته الجلیلة على محفوظات دار الإنشاء المصرية من الوثائق و المراسلات.

(۴) هو قد ألّف دائرة المعارف جلیلة على ما كان محفوظاً في دار الإنشاء المصرية من الوثائق و المكاتبات.

■ ■ عین المناسب للجواب عن التشکیل (۹)

۹- عین الخطأ:

(۱) أيُّها النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ، فَمَا خُلِقَ امْرُؤٌ عَبْدًا فَبَلَّهْهُ؛

(۲) و لا تُرِكَ سُدَى فَبَلَّغُوْهُ و ما دُنْيَاهُ الَّتِي تَحَسَّنَتْ لَهُ بِخُلْفٍ مِنَ الْآخِرَةِ؛

(۳) الَّتِي قَبَّحَهَا سُوءُ النَّظَرِ عِنْدَهُ، و ما الْمَعْرُورُ الَّذِي ظَفِرَ مِنَ الدُّنْيَا؛

(۴) بِأَعْلَى هِمَّتِهِ كَالْآخِرِ الَّذِي ظَفِرَ مِنَ الْآخِرَةِ بِأَدْنَى سُهْمَتِهِ!

■ ■ عین الخطأ عن الإعراب و التحليل الصرفي (۱۰-۱۲)

۱۰- ﴿ و اذكر في الكتاب مريم إذ انتبذت من أهلها مكاناً شرقياً ﴾:

- (۱) مكاناً: اسم جامد و مصدر ميمي - مفعول به منصوب لفعل « انتبذت » و منعوت للنعت « شرقياً »
- (۲) شرقياً: اسم منسوب و مؤول إلى المشتق (= منسوب إلى الشرق)، نعت مفرد حقيقي و منصوب بالتبعية للمنعوت «مكاناً»

(۳) إذ: اسم غير متصرف، ظرف للزمان و في محل نصب بدل اشتمال من المفعول به « مريم » و منصوب محلاً بالتبعية

(۴) انتبذت: فعل ماضٍ من باب افتعال، فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً، و الجملة فعلية في محل جر، مضاف إليه

۱۱- « و ليل كموج البحر أرخى سدوله علي بأنواع الهموم ليبتلي »:

(۱) أرخى: فعل ماضٍ من باب إفعال، و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً، و الجملة فعلية و حالية و في محل نصب

(۲) كموج: الكاف، اسم غير متصرف بمعنى « مثل » و نعت و مجرور محلاً بالتبعية للمنعوت « ليل »، و هو مؤول إلى المشتق (= مماثل)

(۳) ليل: اسم - مفرد مذكر - نكرة، مجرور في اللفظ بحرف « رب » الزائدة و المقدرة في الواو، و مرفوع محلاً على أنه مبتدأ

(۴) و ليل: الواو واو « رب » حرف زائد، ليل: مبتدأ و مرفوع محلاً، و خبره جملة « أرخى ... » و الرابط ضمير الهاء في « سدوله »

۱۲- « إنه ألقى كلمته أمام الجلوس يوم الثلاثاء لثمان ليال مضين من ذي الحجة السنة الستين من الهجرة »:

- (۱) الستين: اسم من أعداد العقود الأصلية، جمع سالم للمذكر باللاحق، معرب/ مضاف إليه و مجرور بالياء
- (۲) الجلوس: اسم، جمع تكسير أو مكسر (مفردة: جالس، مذكر)، معرّف بأل، منصرف / مضاف إليه و مجرور

(۳) ليال: جمع مكسر (بزيادة الياء على غير القياس)، معرب و منقوص و ممنوع من الصرف/ تمييز مفرد و مجرور بالإضافة

(۴) ثمان: من الأعداد المفردة الأصلية، مفرد مذكر (للمعدود المؤنث) - منقوص - ممنوع من الصرف / مجرور بكسرة مقدرة بحرف الجر

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱۳-۲۰)

۱۳- « فوالله ما أنسى قتيلاً رزئته / بجانب قُوسى، ما بقيت على الأرض / على أنها تعفو الكلوم و إنما ».

عین الصحيح في معنى « على »:

- (۱) الاستعلاء
- (۲) التعليل ك « اللام »
- (۳) الاستدراك و الإضراب
- (۴) الظرفية ك « في »

۱۴- عین الخطأ: نقول العبارة

(۱) « قعدت قعوداً » لإزالة الريب في وقوع الفعل!

(۲) « قعدت قعدة » لمن يسأل عن كيفية القعود!

(۳) « قعدت قعدة » لمن يسأل عن دفعات وقوع الفعل!

(۴) « قعدت قعدتين » لإزالة الريب في وقوع الفعل!

۱۵- عین الخطأ في الكنايات:

(۱) كآين من مشاكل عويصة تحلها الهمم العالية!

(۲) كانت لي بضعة دنانير فأعطيت زميلي عشرة منها!

(۳) أخذت تنباهي و تقول إنني طالعت حتى الآن كذا و كذا مقالة!

(۴) لما دخلت الصف وجدت فلانة و فلاناً قد سيقاني في الحضور!

۱۶- عین العبارة التي لم يستعمل فيها ضمير الشأن:

(۱) إن من يدع إلى الخير يجده!

(۲) و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمين!

(۳) أعلم أن من يبادر الصيد مع الفجر يقنص!

(۴) إن الحق لا يخفى على ذي بصيرة!

۱۷- عین الخطأ:

(۱) صبراً فينجحون في الحياة!

(۳) هلم إلى الخير فتجحوا في الدنيا!

(۲) كأنك أمير فيجتمعوا حولك!

(۴) ليسوا بظالم فيخافوا من ظلمهم!

۱۸- عین الصحيح (في « أي »):

(۱) أخبرتك أي طالبين نجح!

(۲) جئت لأعلم أي كتاب اخترت!

(۳) أفرح حين أطلع أيهم هو ناجح!

(۴) أحب أن أعلم أي طالب جاؤوا!

۱۹- عین الصحيح في تعيين عامل الحال:

(۱) ذلك أخوك عطوفاً. (ذلك « أشير »)

(۲) ما شأنك مجيباً؟! (محذوف جوازاً)

(۳) أجالساً و قد ذهب القافلة؟! (محذوف وجوباً)

(۴) هذا مقبل متأنياً. (هذا « أشير »)

۲۰- عین الصحيح:

(۱) نحن المعلمين و هذا فخر عظيم لنا!

(۲) نحن المعلمين نهتم بتربية الأجيال!

(۳) هؤلاء المعلمين ربوا جيلنا على الفضائل!

(۴) هم المعلمين بهم تقتدي الأمة في طريقها!

- ۲۱- از نظر ابن سینا، کدام مورد درباره علیت درست است؟
 (۱) الشی لایکون معلولاً فی ماهیته و انما یکون معلولاً فی وجوده
 (۲) الشی المادی الجوهری یکون معلولاً فی ماهیته و وجوده فقط
 (۳) الشی المجرد لایکون معلولاً فی وجوده و انما یکون معلولاً فی ماهیته
 (۴) الشی قد یکون معلولاً باعتبار ماهیته و حقیقته و قد یکون معلولاً فی وجوده
- ۲۲- طبق فلسفه سینوی - در شرح الاشارات، قاعده کلی در مورد ترکیب واجب الوجود بالذات، کدام است؟
 (۱) اگر ذات واجب مرکب از اجزائی باشد، آن اجزاء متقدم بوده و واجباند و این ذات محتاج آن اجزای مقوم می شود. پس ذات واجب از هیچ جزئی مرکب نیست.
 (۲) چون در حالت کلی انتزاع معانی و صفات کثیر از امر واحد تناقضی دربر ندارد، پس ذات واجب الوجود می تواند از معانی و امور کثیر مانند علم و حیات و ... مرکب باشد.
 (۳) انتزاع معانی و صفات کثیر تخصصاً از ذات واجب الوجود تناقضی دربر ندارد، چرا که ذات او در عین ترکیب از اموری مانند علم و حیات و ... دارای وحدت محض است نه وحدت در عین کثرت.
 (۴) گرچه ذات واجب از اموری مانند علم و حیات و ... مرکب است، چون همه این اجزا با خود ذات واجب وحدت در عین کثرت دارند تناقضی وجود ندارد، همان طور که جسم با ماده و صورت وحدت در عین کثرت دارد.
- ۲۳- از نظر ملاصدرا، کدام مورد از عوامل اصلی شقاوت نفس نیست؟
 (۱) بودن حجاب مابین نفس و صور علمیه
 (۲) انکار حق و حقیقت به وسیله آراء و عقاید باطل
 (۳) نقصان و قصور غریزه و فطرت از ادراک مراتب عالیه وجود
 (۴) طغیان و غلبه اوصاف و احوال متعلق به بدن از معاصی و فسق و فجور
- ۲۴- از نظر سهروردی، انوار مجرده پس از ترک بدن و ارتقاء به عالم انوار، چگونه از همدیگر متمایز می شوند؟
 (۱) از طریق بصیرت عقلی به جهت اشراقات نورالانوار (۲) تمایز عقلی به جهت شعورشان به ذاتشان و یکدیگر
 (۳) از طریق شدت و ضعف و مراتب وجودی (۴) تمایز شهودی به جهت مراتب وجودی
- ۲۵- از نظر سهروردی، انوار قاهره عرضیه، از چه موجود یا موجوداتی صادر می شوند؟
 (۱) جهت قهر نور اقرب
 (۲) آخرین نور از انوار طولیه
 (۳) تراکیب انوار سانحه و تضاعفات اشراقات اصول اعلون
 (۴) مشارکت و مناسبت های اشعه با جهت قهر و استغنای انوار طولیه
- ۲۶- ملاصدرا، درباره چگونگی فاعلیت نفس، معتقد به کدام مفهوم است؟
 (۱) طبیعت و ماده ای که نفس در آن تصرف می کند طبیعت عنصری و ماده بدن است.
 (۲) ماده ای که نفس در آن تصرف می کند همین جسم مادی است اما طبیعتی که نفس در آن تصرف می کند غیر از طبیعت عنصری است.
 (۳) طبیعتی که نفس در آن تصرف می کند همان طبیعت عنصری است اما ماده ای که نفس در آن تصرف می کند غیر از جسم مادی است.
 (۴) طبیعت و ماده ای که نفس در آن تصرف می کند و توسط آن بعضی امورش را انجام می دهد، غیر از طبیعت و ماده عنصری است.

- ۲۷- از نظر فیلسوفان پیش از صدر المتألهین، هر معلولی نسبت به علت فاعلی خویش وجود است.
(۱) رابط (۲) لغیره (۳) رابطی (۴) لنفسه
- ۲۸- طبق نظر سهروردی، ویژگی خاص «نور مجرد» کدام است؟
(۱) وجود فی نفسه (۲) ادراک ذات (۳) وجود قائم بذات (۴) ظهور لذاته و مظهر لغیره
- ۲۹- سهروردی با استناد به مفاد کدام مورد، به ردّ برهان فصل و وصل در اثبات هیولا می پردازد؟
(۱) إلتصال بین الجسمین یقابل إلتفصال
(۲) إلتصال و إلتفصال لیس بینهما التقابل
(۳) إلتصال العرضی یقابل إلتفصال لا إلتصال الجوهری
(۴) إلتصال بمعنی الإمتداد و المقدار لیس یقابله إلتفصال
- ۳۰- بنابر دیدگاه ابن سینا، مرجح حدوث نفس انسانی کدام است؟
(۱) إرادة الهی (۲) حدوث بدن (۳) إرادة موجود مجرد (۴) استعداد نفس انسانی
- ۳۱- براساس دیدگاه شیخ اشراق، کدام مورد درست است؟
(۱) و جائز أن یقال أن البرزخ یوجد البرزخ
(۲) و جائز أن یقال أن الهیئات الممیزة لوازم للماهیة البرزخیة
(۳) و لیس بجائز أن یقال أن الهیئات الممیزة من لوازم الوجود البرزخیة
(۴) و لیس بجائز أن یقال أن الهیئات الممیزة لوازم للماهیة البرزخیة تقتضیها
- ۳۲- اگر عالم، علت و معلوم، معلول باشد، با تمسک به کدام مورد اتحاد عالم با معلوم را می توان اثبات کرد؟
(۱) حمل الحقيقة و الرقیقة (۲) معطی الشیء لم یکن فاقداً له
(۳) بسیط الحقيقة کل الأشياء (۴) علة علة الشیء علة لذلك الشیء
- ۳۳- ابن سینا در عبارت: «کل جملة کل واحد منها معلول» یکی از فروض را «اما ان یقتضی علة هی الآحاد باسرها» ذکر می کند. خواجه در شرح فرض مذکور برای حصول جمله از اجزایش فروضی را ذکر می کند. کدام مورد بر عبارت ذکر شده از ابن سینا دلالت می کند؟
(۱) شیء مع شیء (۲) شیء لشیء مع شیء
(۳) شیء من شیء مع شیء (۴) شیء مع شیء بالاعتبار
- ۳۴- ابن سینا در عبارت «الاول معقول الذات قائمها فهو قیوم و ما هذا حکمه فهو عاقل لذاته معقول لذاته»، چه مطلبی را اثبات می کند؟
(۱) علم واجب الوجود (۲) قیوم بودن واجب الوجود
(۳) اتحاد علم با معلوم در واجب الوجود (۴) قائم بالذات بودن واجب الوجود
- ۳۵- «متکلمین قائلند اگر عالم ازلی باشد معلول علت ازلی خواهد بود و فلاسفه قائلند فعل فاعل مختار نمی تواند ازلی باشد.» این عبارت از کیست و درصدد اثبات چه مطلبی است؟
(۱) ابن سینا، لفظی بودن اختلاف دو گروه در این مسئله
(۲) فخر رازی، لفظی بودن اختلاف دو گروه در این مسئله
(۳) خواجه نصیر، واقعی بودن اختلاف دو گروه در این مسئله
(۴) قطب الدین رازی، واقعی بودن اختلاف دو گروه در این مسئله

- ۳۶- ابن سینا در عبارت زیر درصدد اثبات چه مطلبی است؟
«القلبية و البعدية للشيئين بسبب الزمان و اما للزمان فليس بسبب شيء آخر بل ذاته المتصرمة صالحة للحقوق هذين المعنيين بها»
- (۱) توصیف حقیقت زمان
(۲) اثبات وجود زمان
(۳) اثبات زمانی بودن امور
(۴) اثبات قبلیت و بعدیت در زمان
- ۳۷- به نظر ابن سینا نسبت ابداع با تکوین و احداث، کدام است؟
(۱) التکوین و الاحداث اعلى مرتبة من الابداع
(۲) التکوین اعلى مرتبة من الابداع و الاحداث
(۳) الابداع اعلى مرتبة من التکوین و الاحداث
(۴) الاحداث اعلى مرتبة من التکوین و الابداع
- ۳۸- کدام مورد از نظر ابن سینا درست است؟
(۱) بعض الاوقات اصلح للصدور بالنسبة الى واجب الوجود
(۲) ضرورة الفعل متأتيا بعد كونه ممتنعا بالنسبة الى واجب الوجود
(۳) واجب الوجود لا يختلف نسبته الى الاوقات و الى معلولاته الاولى
(۴) بعض الامور قبیح فزال قبحه عند الوقت الصالح بالنسبة الى واجب الوجود
- ۳۹- ابن سینا در نمط ششم اشارات، درصدد اثبات کدام مطلب نیست؟
(۱) اثبات مبادی غایات
(۲) اثبات غایت در حرکت افلاک
(۳) نفی غایت در افعال مبادی عالیّه
(۴) اثبات غایت در افعال مبادی عالیّه
- ۴۰- از نظر ابن سینا، کدام مورد، دلالت بر وجود و اقوی بودن لذات باطنی و غیر حسی، نمی کند؟
(۱) لذت ناشی از پیروزی بر خصم
(۲) لذت انسان کریم هنگام ایثار
(۳) لذت ناشی از تلاش برای حفظ آبرو
(۴) لذت ناشی از دستیابی به آرزوها در تخیل
- ۴۱- مبنای ابن سینا برای نفی جسم بودن خداوند، کدام است؟
(۱) معلول بودن جسم
(۲) واجب به غیر بودن جسم
(۳) تقسیم کمی پذیرفتن جسم
(۴) دارای تعدد اقلادی بودن جسم
- ۴۲- کدام مورد از تفاوت مؤلفه های قدرت در مورد خدای متعال و انسان نیست؟
(۱) اختیار
(۲) اراده همراه با مراد
(۳) مبدئیت برای انجام کار
(۴) علم به کمال و خیر بودن فعل
- ۴۳- کدام مورد مفاد نظر میرداماد در حدوث دهری نیست؟
(۱) عدم معلول در مرتبه علت متقرر است.
(۲) معلول مسبوق به عدم خویش در مرتبه علت است.
(۳) قبلیت و بعدیت در حدوث دهری غیرمجامع نیست.
(۴) وجود خاص معلول از مرتبه علت قابل سلب است.
- ۴۴- کدام تعریف درباره ماده، صحیح است؟
(۱) بالقوه قابل امتدادات ثلاث است.
(۲) بالفعل قابل امتدادات ثلاث است.
(۳) قابل صور و اعراض جسمانی است.
(۴) فاعل صور و اعراض جسمانی است.
- ۴۵- کدام کیف، در مادیات و مجردات مثالی هر دو یافت می شود؟
(۱) نفسانی
(۲) ملکات راسخه
(۳) استعدادی
(۴) مختص به کم
- ۴۶- «علم اجمالی در عین کشف تفصیلی»، مربوط به کدام نوع فاعل است؟
(۱) بالرّضا
(۲) بالعناية
(۳) بالتّجلی
(۴) بالتّسخیر

- ۴۷- «معیت سرمدی» از نظر ملاصدرا، چه نوع معیتی است؟
(۱) اعتبار امور ثابت با ثابت
(۲) اعتبار ثبات ثابتات با متغیرات
(۳) اعتبار ثبات تغییرات در متغیرات
(۴) اعتبار تغییرات ثابتات نسبت به حرکت و زمان
- ۴۸- در مبحث وحدت و کثرت، مقصود ملاصدرا از عبارت «فلا تخالف بین ما ذهبنا الیه و بین ماذهب الیه المشاؤون عند التفتیش»، کدام است؟
(۱) مشاء واقعاً به تباین وجودها معتقدند.
(۲) مشاء واقعاً به تباین ماهیات معتقدند.
(۳) اسناد تباین به وجود به نظر مشاء حقیقی است.
(۴) اسناد تباین به ماهیات به نظر مشاء حقیقی نیست.
- ۴۹- ملاک «نسبت به مبدأ محدود»، ملاک کدام تقدم و تأخر است؟
(۱) بالطبع
(۲) بالشرف
(۳) بالرتبه
(۴) بالعلیه
- ۵۰- با توجه به نظریه حرکت جوهری ملاصدرا، کدام تعبیر درست است؟
(۱) حرکت در جوهر و حرکت در عرض، هر دو به محرک در سلسله طولی باز می‌گردد.
(۲) حرکت در جوهر از مبادی عالییه و حرکت در عرض از حرکت در جوهر است.
(۳) حرکت در عرض از مبادی عالییه و حرکت در جوهر از حرکت در عرض است.
(۴) حرکت در عرض از حرکت در جوهر و حرکت در جوهر، ذاتی جوهر است.
- ۵۱- دیدگاه ابن سینا درباره ماهیت علم، کدام است؟
(۱) اتحاد جنس و فصل
(۲) اتحاد جوهر و عرض
(۳) اتحاد ماده و صورت
(۴) اتحاد عاقل و معقول
- ۵۲- اشکال اتحاد جوهر و عرض (مثلاً کم) در وجود ذهنی را چگونه در حکمت متعالیه ملاصدرا پاسخ داده‌اند؟
(۱) اتحاد
(۲) نظریه اشباح
(۳) نظریه انقلاب
(۴) تفکیک در حمل
- ۵۳- کدام عبارت بیانگر نظر ابن میمون، در مسئله حدوث و قدم عالم است؟
(۱) حل آن فراتر از توان عقل نظری است.
(۲) دوام فیض الهی، مستلزم ازلیت عالم است.
(۳) خالقیت الهی، تنها با حدوث زمانی قابل توضیح است.
(۴) نظریه حدوث ذاتی بر نظریه حدوث زمانی ارجح است.
- ۵۴- به گفته خواجه «اوضح الحجج» در اثبات تجرد نفس ناطقه، کدام است؟
(۱) العاقله مدرکه بألة جسمانية.
(۲) القوى القائمة بالابدان، یکلها تکرر الافاعیل.
(۳) لو كانت منطبعة فی جسم، لكانت دائمة التعقل له.
(۴) لو عقلت بألتها لكان لا یعرض للآلة کلال الآ و یعرض للقوة کلال.
- ۵۵- از نگاه ملاصدرا، کدام مورد درباره حرکات عناصر درست است؟
(۱) حرکت عناصر دلالت بر وجود ملائکه عقلی دارد.
(۲) حرکت عناصر دلالت بر وجود نفس عنصری دارد.
(۳) حرکت عناصر دلالت بر وجود علت فاعلی عقلی دارد.
(۴) حرکت عناصر دلالت بر حرکت جوهری به عنوان غایت حرکت دارد.

- ۵۶- براساس تفسیر صدر المتألهین از آیه شریفه ﴿وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ﴾ در الشواهد الربوبیه اولین فیض خدای تعالی، کدام است؟
- (۱) عقل (۲) نفس مطلق (۳) روح اعظم (۴) جسم مطلق
- ۵۷- درباره فاعل مباشر حرکت جوهری از نظر صدرا، کدام مورد درست است؟
- (۱) انّ الفاعل المباشر للحركة عقل محض
(۲) انّ الفاعل المباشر للحركة عقل لانفس من حيث ذاتها العقلیه.
(۳) انّ الفاعل المباشر للحركة عقل او نفس من حيث ذاتها العقلیه.
(۴) انّ الفاعل المباشر للحركة نفس من حيث كونه في الجسم فيكون طبيعه.
- ۵۸- از نظر ملا صدرا علم خدا به ممکنات چگونه ترسیم می شود؟
- (۱) بقیام المثل و الصور المجردة بذواتها بذاته
(۲) بنفس حضور الاشياء المبیانه وجودها عن وجوده عنده
(۳) برتسیم صور الاشیا فی ذاته و تقریر رسوم المدرکات فی نفسه
(۴) ذاته تعالی فی مرتبة ذاته مظهر جمیع صفاته و اسمائه و هی مجلّة یری بها و فیها صور جمیع الممكنات
- ۵۹- ابن سینا در اثبات نفس در فرض انسان معلق در فضا، از چه راهی استفاده کرده است؟
- (۱) از طریق فعل تفکر «می اندیشم پس هستم» (۲) از علم حضوری نفس به خودش
(۳) از طریق ارتسام صورت نفس در قوه عقل (۴) از طریق علم حصولی و وساطت ذات برای ذات
- ۶۰- کدام مورد درباره تشخیص موجود از نظر صدرا، درست است؟
- (۱) هر تشخیصی قائم به ماهیت شیء است.
(۲) هر تشخیصی قائم به فاعل تشخیص است.
(۳) هر تشخیصی قائم به نفس شیء متشخص است.
(۴) هر تشخیصی قائم به ماهیت مشترکه و عوارض مشخصه است.
- ۶۱- کدام مورد درباره جایگاه مقولات در منطق، درست نیست؟
- (۱) فخر رازی به کلی با دیدگاه ابن سینا موافق است.
(۲) فخر رازی و خواجه نصیر به کلی با دیدگاه ابن سینا مخالفاند.
(۳) ابن سینا مبحث مقولات را متافیزیکی و خارج از قلمرو منطق می داند.
(۴) خواجه نصیر با دیدگاه ابن سینا موافق است ولی از جنبه های کاربردی با حذف مقولات از منطق مخالف است.
- ۶۲- کدام مورد بیانگر تفاوت «جزم» و «ثبات» در تعریف «یقین» است؟
- (۱) فرقی ندارند و هر دو مترادفاند.
(۲) یقین مشروط به جزم و لایشرط از ثبات است.
(۳) اولی باور به امتناع کذب گزاره است، و دومی امتناع باور به کذب گزاره.
(۴) اولی امتناع باور به کذب گزاره است، و دومی باور به امتناع کذب گزاره.
- ۶۳- در شرح الاشارات خواجه نصیرالدین طوسی، شبهه منون چگونه حل شده است؟ (یعنی اگر گفته شود «یک مطلوب فکری اگر از پیش معلوم نباشد، پس از شناخته شدن از کجا بدانیم که همانی را شناخته ایم که دنبال شناختنش بوده ایم؟»، پاسخ چیست؟)
- (۱) مطلوب فکری بالقوه معلوم بوده است و بالفعل مجهول
(۲) مطلوب فکری به طور ناقص معلوم بوده است و به طور کامل مجهول
(۳) مطلوب فکری از جهتی معلوم بوده است و از جهتی دیگر مجهول
(۴) هر سه مورد درست است.

- ۶۴- با توجه به احکام عکس مستوی، کدام مورد درست است؟
 (۱) سالبه کلیه ممکنه عکس مستوی ندارد.
 (۲) عکس مستوی موجب کلیه ضروریه برابر است با موجب جزئیه ضروریه.
 (۳) عکس مستوی «هرگاه هیچ الف ب نیست هر ج د است» می شود: «هرگاه هیچ ب الف نیست بعضی د ج است».
 (۴) عکس مستوی «هرگاه هر الف ب است، بعضی ج د است» می شود: «هرگاه بعضی ب الف است، بعضی د ج است».
- ۶۵- با توجه به اینکه نسبت میان الف و ب عموم و خصوص من وجه است و نسبت میان الف و غیر ج تباین، کدام جمله صادق است؟
 (۱) بعضی ج ب نیست.
 (۲) بعضی ب ج نیست.
 (۳) هیچ ب ج نیست.
 (۴) هیچ ج ب نیست.
- ۶۶- بر جمله «بعضی الف ب نیست» به ترتیب قاعده های نقض محمول، عکس مستوی، نقض محمول، عکس نقیض موافق و نقض محمول اعمال می شود. حاصل کدام است؟
 (۱) بعضی الف ب نیست.
 (۲) بعضی الف غیر ب نیست.
 (۳) بعضی غیر الف ب نیست.
 (۴) بعضی غیر الف غیر ب نیست.
- ۶۷- نقیض قضیه A نمی تواند در شکل سوم صغری باشد. نقض محمول عکس مستوی A کدام است؟
 (۱) سالبه کلیه
 (۲) سالبه جزئیه
 (۳) موجب کلیه
 (۴) موجب جزئیه
- ۶۸- نتیجه قیاس زیر کدام است؟
 «اگر هر الف ب است آنگاه هیچ ب ج نیست»
 «اگر بعضی ج ب نیست آنگاه بعضی ب د است»
 (۱) یا بعضی الف ب است یا بعضی د ب نیست. (مانعه الجمع)
 (۲) یا بعضی الف ب است یا بعضی د ب نیست. (مانعه الخلو)
 (۳) یا بعضی الف ب نیست یا بعضی د ب است. (مانعه الجمع)
 (۴) یا بعضی الف ب نیست یا بعضی د ب است. (مانعه الخلو)
- ۶۹- نتیجه قیاس زیر، کدام است؟
 «بعضی الف ب است»
 «هیچ د ج نیست»
 «هر ب د است»
 (۱) بعضی ج الف نیست.
 (۲) بعضی الف ج نیست.
 (۳) بعضی الف غیر ج نیست.
 (۴) بعضی غیر ج الف نیست.
- ۷۰- قضیه ای نمی تواند نتیجه قیاسی در شکل چهارم باشد. این قضیه می تواند در کدام شکل ها به دست بیاید؟
 (۱) فقط اول
 (۲) فقط دوم
 (۳) اول و دوم
 (۴) اول و سوم
- ۷۱- با تعریف $A * B$ به $A \vee \sim B$ ، فرمول $(A * A) * (B * B)$ معادل کدام مورد است؟
 (۱) $A \rightarrow B$
 (۲) $A \wedge B$
 (۳) $A \vee B$
 (۴) $A \leftrightarrow B$
- ۷۲- فرمول $(P \wedge Q) \equiv (P \rightarrow Q)$ هم ارز کدام مورد است؟
 (۱) P
 (۲) Q
 (۳) $P \vee Q$
 (۴) $Q \rightarrow P$

۷۳- ترجمه جمله «فقط و فقط به شرطی کتاب گلستان را به حسن می‌دهم که وی کتاب بوستان را به من بدهد، مگر اینکه وی کتاب گلستان را از من بخرد.» متناظر با کدام مورد است؟

$$P \rightarrow (Q \leftrightarrow R) \quad (۲)$$

$$\sim P \leftrightarrow (Q \rightarrow R) \quad (۱)$$

$$P \leftrightarrow (Q \rightarrow R) \quad (۴)$$

$$\sim P \rightarrow (Q \leftrightarrow R) \quad (۳)$$

۷۴- فرض کنید A صادق و B کاذب است. کدام مورد درباره ارزش جمله زیر درست است؟

$$[A \wedge (D \vee \sim A)] \rightarrow [C \vee (\sim B \rightarrow \sim (A \wedge C))]$$

(۲) صرفاً به D وابسته است.

(۱) به C و D وابسته است.

(۴) به C و D وابسته نیست.

(۳) صرفاً به C وابسته است.

۷۵- بنابر کدام ارزش‌دهی، همه جملات زیر کاذب هستند؟

$$A \rightarrow ((B \vee C) \wedge \sim A)$$

$$[\sim A \vee (\sim B \wedge \sim C)] \equiv (B \rightarrow \sim C)$$

$$B = C = ۱, A = ۱ \quad (۱)$$

$$A = C = ۱, B = ۱ \quad (۲)$$

$$A = B = ۱, C = ۰ \quad (۳)$$

$$B = C = ۱, A = ۰ \quad (۴)$$

۷۶- کدام مورد از جمله‌های $\sim (A \equiv \sim A)$ ، $A \supset (A \vee B)$ و $A \equiv (B \vee A)$ به ترتیب از راست به چپ، راستگو، متناقض یا ممکن‌الصدق هستند؟

(۲) راستگو، متناقض، ممکن‌الصدق

(۱) راستگو، راستگو، ممکن‌الصدق

(۴) راستگو، ممکن‌الصدق، ممکن‌الصدق

(۳) ممکن‌الصدق، راستگو، راستگو

۷۷- کدام استدلال معتبر نیست؟

$$\forall x \neg Rxx, Rab \vdash \exists x \exists y x = y \quad (۱)$$

$$\forall x \forall y x = y \vdash \neg \exists x \exists y \neg x = y \quad (۲)$$

$$\forall x \neg Rxx, Rab \vdash \exists x \exists y \neg x = y \quad (۳)$$

$$\forall x (Fx \leftrightarrow Gx) \vdash \exists x (Gx \wedge \forall y (Gy \rightarrow y = x)) \quad (۴)$$

۷۸- کدام جمله حاوی اطلاعاتی درباره تعداد اشیای دامنه تعبیر نیست؟

$$\forall x \forall y \forall z (x = y \vee x = z \vee y = z) \wedge \forall x \forall y (x = y) \quad (۱)$$

$$\exists x \exists y \exists z (x = y \vee x = z \vee y = z) \wedge \forall x \forall y (x = y) \quad (۲)$$

$$\exists x \exists y \exists z (x = y \vee x = z \vee y = z) \wedge \exists x \exists y (x = y) \quad (۳)$$

$$\forall x \forall y \forall z (x = y \vee x = z \vee y = z) \wedge \exists x \exists y (x = y) \quad (۴)$$

۷۹- ترجمه جمله زیر، کدام است؟

«اگر وجود موجود باشد آنگاه دارای وجودی دیگر است»

(x دارای y است: Dxy ; x وجود است: Vx ; x موجود است: Mx)

$$\forall x [Vx \rightarrow (Mx \rightarrow \exists z (Vz \wedge Dxz))] \quad (۱)$$

$$\forall x [Vx \rightarrow (Mx \rightarrow \forall z (Vz \rightarrow Dxz))] \quad (۲)$$

$$\forall x [Vx \rightarrow (Mx \rightarrow \exists z (z \neq x \wedge Vz \wedge Dxz))] \quad (۳)$$

$$\forall x [Vx \rightarrow (Mx \rightarrow \forall z (z \neq x \rightarrow (Vz \rightarrow Dxz)))] \quad (۴)$$

۸۰- کدام استنتاج معتبر است و اثبات اعتبار آن به منطق محمولات نیازمند است؟

- (۱) اگر کسی همه را دوست بدارد، خود را دوست دارد. کسی هست که خود را دوست دارد. پس کسی هست که همه را دوست دارد.
- (۲) اگر کسی هست که همه را دوست دارد، کسی هست که خود را دوست دارد. کسی هست که کسی را دوست دارد. کسی هست که خود را دوست دارد.
- (۳) اگر کسی هست که همه را دوست دارد، کسی هست که خود را دوست دارد. کسی هست که همه را دوست دارد. پس، کسی هست که خود را دوست دارد.
- (۴) اگر کسی همه را دوست بدارد، خود را دوست دارد. کسی هست که همه را دوست دارد. پس، کسی هست که خود را دوست دارد.

www.Sanjesh3.com